



وزارة التعليم والبحث العلمي

برداشت های کوتاه درباره نماز از آثار علامه شهید مرتضی مطهری رحمته

واجب همیشه

سعید فیاضی

نام کتاب: واجب ہمیشگی
گردآورنده: سعید فیاضی
گرافیست: محمد حسین مؤیدی
کاری از: مرکز تخصصی نماز ستاد اقامه نماز
انتشاراتی ستاد اقامه نماز

ناشر: مؤسسه فرهنگی
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
نوبت چاپ: اول، پاییز ۱۳۹۳
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۷-۱۲۶-۳
چاپ و صحافی: کاتبان کویر
قیمت: ۴۰۰۰ ریال

مراکز پخش:
۱- تهران/ میدان فلسطین/ انتشارات ستاد اقامه نماز
تلفن: ۱۱۹۰۰۵۹ - ۱۱۹۶۶۶۶۶
۲- دفاتر ستاد اقامه نماز سراسر کشور



ستاد اقامه نماز
مرکز تخصصی نماز

اشاره

اصلاً قصد ندارم که در اینجا خواندن این کتاب را سفارش کنم به این دلیل که نماز ستون دین و اهم واجبات است؛ یا اینکه چون استاد مطهری همان است که امام علیه السلام کتبش و آثارش را «بی استثناء» توصیه کرده‌اند و مقام معظم رهبری دانستن اندیشه‌اش و خواندن کتابش را لازم دانسته‌اند، پس این کتاب را بخوان. نه!

اینها همه هست، اما دلیل من برای دعوت به این کتاب نیست؛ این کتاب را، نه! این ۹۸ گفتار را بخوان تا بدانی در کلاس حیات حاضری یا غایب!

این کتاب را بخوان چون خواندنی است...
همین...



نماز تو را می سازد

اصلاً نماز را خدا برای چه واجب کرده است؟ برای اینکه نماز ما را می سازد. این يك باب بسیار وسیعی در معارف اسلامی است که انسان ساخته عمل خودش است و به تعبیر دیگر، انسان ساخته خود انسان است؛ یعنی انسان با عمل خودش ساخته می شود؛ هرگونه عمل کند، آن گونه ساخته می شود.

مجموعه آثار، ج ۲۷، آشنایی با قرآن ۹، تفسیر سوره معراج، ص ۷۰۸.



کار برای امام حسین علیه السلام

اگر گفتید من نماز نمی‌خوانم، به جایش کار دیگری برای امام حسین می‌کنم، امام حسین به چیزی راضی می‌شود، خدا به چیز دیگر؛ نه خدا را شناخته‌اید، نه امام حسین را. امام حسین آن کسی است که در خطبه روزهای اولش فرمود: «رَضِيَ اللهُ رِضَانَا أَهْلَ الْبَيْتِ». اصلاً امام حسین اگر رضایی غیر از رضای خدا داشته باشد که امام نیست.

مجموعه آثار، ج ۲۶، آشنایی با قرآن ۵، تفسیر سوره زخرف، ص ۶۱۹.



خدمت به خلق

صاحبان مقامات اجتماعی می‌گویند: ای بابا، نماز ما همین است که داریم به خلق خدمت می‌کنیم؛ اینکه از خم و راست شدن بالاتر است؛ «عبادت به جز خدمت خلق نیست»! این منطق غلط است، عوام‌فریبی است؛ بلکه خودفریبی است. نماز پشوانه آن اصول مقدس اجتماعی و اصول مقدس اخلاقی است.

یادداشت‌های استاد، ج ۶، ص ۲۷۴.



شرط قبولی

اگر انسان کارهای خیری انجام بدهد و نماز نخواند و یا نماز بخواند، اما نماز نادرست و غیر مقبولی که رد بشود، سایر کارهای خیر او هم رد می‌شود. شرط قبولی سایر کارهای خیر انسان، قبول شدن نماز اوست.

مجموعه آثار، ج ۲۳، آزادی معنوی، ص ۵۰۰.



به دستور عمل کن

به ما گفته‌اند شما نماز را به هر حال باید بخوانید؛ این در اختیار تو نیست. تو نمی‌توانی حساب کنی که این نماز اثر دارد یا اثر ندارد. تو باید تحت این فرمول و قاعده بخوانی. اینکه این کار به نتیجه می‌رسد یا نمی‌رسد، از حوزه منطق بشر خارج است.

مجموعه آثار، ج ۱۷، حماسه حسینی، ص ۲۰۳.



واجب همیشه

نماز به واسطه اهمیتی که دارد، هرگز ساقط نمی‌گردد. هر کس در حدود توانایی خود، به هر شکلی که قادر است، باید این فریضه بزرگ را به جا آورد.

مجموعه آثار، ج ۲۲، فلسفه اخلاق، ص ۴۴۴.



جای تعقل نیست

در مورد نماز نگفته‌اند اگر احتمال می‌دهی این نماز در تو اثر داشته باشد و آن مصلحتی که در نماز هست مترتب می‌شود بخوان، و اگر احتمال نمی‌دهی نخوان! برای اینکه آنها تعبدی محض می‌باشند. ما نمی‌توانیم عقل خودمان را در کیفیت آنها و در اینکه باید انجام دهیم یا نه و چه جور انجام بدهیم، دخالت دهیم.

مجموعه آثار، ج ۲۰، ده گفتار، ص ۲۰۷.



چرا جهنم؟

در آیه [۴۲ و ۴۳ سوره مدثر] قرآن هست که از بعضی از اهل جهنم در حالی که معذب هستند، می پرسند: «ما سَلَكُكُمْ فِي سَقَرٍ؛ چه چیزی شما را در این جهنم قرار داد؟ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ؛ ما نماز نمی خواندیم».

مجموعه آثار، ج ۲۳، آزادی معنوی، ص ۵۳۰.



نیرومند شو!

در آیه [۴۵ سوره بقره] «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» داریم که از نماز استمداد کنید و مدد بگیرید. چه مددی است که می‌توانیم از نماز بگیریم؟ همین مدد، [یعنی مدد در مسائل اجتماعی] اصلاً هر مددی را از اینجا می‌شود گرفت. اگر شما می‌خواهید در اجتماع، يك مسلمان واقعی باشید و می‌خواهید يك مجاهد نیرومند باشید، باید نمازخوان خالص و مخلصی باشید.

مجموعه آثار، ج ۲۳، انسان کامل، ص ۱۵۴.



نماز به درد نخور!

«لا صَلَاةَ إِلَّا بِحُضُورِ الْقَلْبِ»؛ نماز بدون حضور قلب قبول نیست، صحیح است؛ یعنی به تو نمی‌گویند: چرا نماز نخواندی؛ تکلیف اسقاط شده، اما قبول نیست. یعنی تو را به جایی نمی‌برد، خاصیتی برای تو ندارد. نماز بدون حضور قلب، نماز دورانداختنی است.

مجموعه آثار، ج ۲۳، آزادی معنوی، ص ۴۷۲.



از غیر جدا شو!

مسأله حضور قلب نسبت به خداوند که اتصال و پیوند به او است، خواه ناخواه مستلزم نوعی بریدن از غیر او است. رفتن و مهاجرت به سوی خداوند، مستلزم بریدن از غیر او است و لذا همیشه اثبات، ملازم با یک نفی است. خود کلمه توحید از نفی شروع می‌شود و به اثبات می‌رسد: «لا اله الا الله» اول نفی است و بعد اثبات.

انسان شناسی قرآن، ص ۲۱۷.



باید یاد گرفت

باید نماز بخوانیم؛ ولی اینکه انسان بخواهد درست نماز بخواند، بدون اینکه مسائل نماز را بداند، امکان ندارد. پس برای اینکه انسان برای خواندن نماز آماده شود، یعنی بتواند نماز را صحیح بخواند، واجب است مسائل نماز را یاد بگیرد.

مجموعه آثار، ج ۲۲، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۶۹۷.



وظیفه موجودات

نماز هر موجود، یعنی وظیفه خود را انجام دادن و مطیع امر الهی بودن.

مجموعه آثار، ج ۲۷، آشنایی با قرآن ۶، تفسیر سوره الرحمن، ص ۲۷.



نماز زمین

زمین که تکان می‌خورد، تکان خوردن زمین، نماز زمین است. باران که می‌ریزد، ریزش باران، نماز باران است؛ چون روح و حقیقت نماز، تسلیم بودن [در مقابل] امر حق و خالصانه و مخلصانه امر او را اطاعت کردن است.

مجموعه آثار، ج ۲۶، آشنایی با قرآن ۴، تفسیر سوره نور، ص ۵۱۴.



برنامه تربیتے اسلام

اصل دومی که قرآن بعد از ایمان به غیب برشمرده است، به پا داشتن نماز است. می توان گفت اصل دوم با خودسازی ارتباط دارد. از اینجا به اهمیت نماز پی می بریم؛ زیرا چنان که ملاحظه می کنید، یکی از پایه های دین شمرده شده است؛ و اگر هر مکتبی یک نوع طرح برای ساختن افراد خودش دارد، عبادت در سرلوحه برنامه پرورشی و تربیتی اسلامی قرار گرفته است و در رأس همه عبادت ها، نماز است.

مجموعه آثار، ج ۲۶، آشنایی با قرآن ۲، تفسیر سوره بقره،

ص ۱۲۳.



عمود خیمه

پیغمبر فرمود: «الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ» یا فرمود: مَثَلُ این دین و نماز در این دین، مَثَلُ خیمه‌ای است که سرپا است؛ خیمه چادر دارد، طناب دارد، میخ دارد، عمود هم دارد. عمودی که خیمه را به پا می‌دارد و اساس آن است و اگر بخوابد همه چیز دیگر خوابیده است، نماز است.

مجموعه آثار، ج ۲۱، اسلام و نیازهای زمان، ص ۶۳.



تسلیم حقیقت

نماز مظهر نیاز و خضوع و طاعت مخلوق نسبت به خالق است. انسان به وسیله نماز . که مشتمل است بر قیام و قعودها و رکوع و سجودها و تکبیرها و تسبیحها و تهلیلهاست . اقرار و اعتراف و تسلیم خود را نسبت به این حقیقت آشکار می‌کند.

مجموعه آثار، ج ۲۲، فلسفه اخلاق، ص ۴۴۴.



فاصلہ کفر و ایمان

نماز پایہ دین و فاصلہ بین کفر و ایمان و شرط قبولی سایر اعمال است. در ہمہ شرایع و ادیان الہی نماز بوده.

مجموعہ آثار، ج ۲۲، فلسفہ اخلاق، ص ۴۴۴.

واجب همیشه



تجدید عهد

نماز تجدید عهد بندگی مخلوق با خدا است.
همیشه باید این تجدید عهد تکرار گردد.

مجموعه آثار، ج ۲۲، فلسفه اخلاق، ص ۴۴۴.



تعارف نیست

وقتی می‌گوییم: نماز می‌خوانیم قُرْبَةً إِلَى اللَّهِ، این لفظ يك تعارف نیست؛ بلکه یعنی واقعاً انسان در حال نماز، از این محدوده كوچك پرواز می‌کند به سوی حق.

مجموعه آثار، ج ۲۲، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۵۴۳.



با عظمت‌ترین حالت انسان

بزرگ‌ترین، شریف‌ترین، باشکوه‌ترین و باعظمت‌ترین حالت انسان آن حالت پرستشانه‌ای است که به خود می‌گیرد.

مجموعه آثار، ج ۲۲، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۵۴۳.



عبادتے عجیب

نماز واقعاً عبادت جامع و عجیبی است؛ چراکہ
مسأله تمرین ضبط [و نگہداری] نفس در ہنگام
عبادت است.

مجموعہ آثار، ج ۲۲، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۸۰۴.



حق اللہ

حق اللہ وظایفی است بین ما و خدا؛ مثل نماز و روزہ، کہ نماز پیوند میان بندہ و خالق است.

مجموعہ آثار، ج ۲۶، آشنایی با قرآن ۳ / تفسیر سوره انفال،

ص ۳۰۱.



ارزش تضمینی

علت اینکه نماز عمود دین خوانده شده است، ارزش تضمینی نماز است. همه خوبی‌ها و پرهیز از بدی‌ها وابسته به نماز است.

یادداشت‌های استاد، ج ۶، ص ۱۷۶.



تقویت ایمان

ایمان را همین نماز تقویت و آبیاری می‌کند.
حال شما در نماز باید حال نیایش و حال توجه
به خدا باشد.

مجموعه آثار، ج ۲۱، اسلام و نیازهای زمان، ص ۶۳.



همزیستی مسالمت‌آمیز

نماز توجه به خداست. توجه به غیر خدا شرك است؛ ولی در عین حال به ما می‌گویند در نماز بگو: «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» سلام بر ما؛ سلامت بر ما و بر جمیع بندگان شایسته خدا. اعلام صلح و صفا با همه بندگان صالح خدا می‌کنی. به قول امروزی‌ها اعلام همزیستی مسالمت‌آمیز با همه افراد شایسته می‌کنی. در حال نماز می‌گویی من با هیچ بنده شایسته‌ای سر جنگ ندارم؛ چون اگر با بنده شایسته‌ای سر جنگ داشته باشم، خود ناشایسته‌ام.

مجموعه آثار، ج ۲۳، آزادی معنوی، ص ۵۲۵.

واجب ہمیشہ



رہائیے از کبر

خداوند ایمان را واجب کرد برای پاکسازی از شرک، و نماز را برای پیراستن از کبر.

مجموعه آثار، ج ۲۵، حج، ص ۸۶.



اظہار بندگی

صلوات بہ عنوان عملی است کہ مظهر ارتباط انسان است با خدا؛ یعنی بہ وسیلہ نماز انسان در مقابل خداوند اظہار عبودیت و اقرار بہ عبودیت می‌کند.

مجموعہ آثار، ج ۲۷، آشنایی با قرآن ۹ / تفسیر سوره الحاقہ، ص ۶۵۷.



نماز بنده واقعے

فرق علی بن ابی طالب علیه السلام با دیگران این بود که او آنی [و لحظه‌ای] فراموش نمی‌کرده که بنده است؛ ولی ما حتی درحالی‌که نماز می‌خوانیم، غافلیم از اینکه بنده هستیم. آن کس که فراموش نمی‌کند بندگی خود و الوهیت حق را و یک لحظه غفلت از این نظر برایش پیدا نمی‌شود، او معصوم است.

یادداشت‌های استاد، ج ۷، ص ۲۶۲.



عامل تربیت

نماز خودش یک عامل تربیت است.

مجموعه آثار، ج ۲۷، آشنایی با قرآن ۹ / تفسیر سوره
معراج، ص ۷۱۲.



مظهر استقلال

عبادت از قبیل نماز و روزه برای بازیافتن خود انسانی است. عبادت مظهر بی‌نیازی خود انسانی است از مادیات زندگی؛ مظهر احراز استقلال است.

یادداشت‌های استاد، ج ۱، ص ۳۴۹.



هماهنگ با فطرت

نماز و عبادات، هماهنگی فطری با موجودات و مخلوقات است؛ زیرا همه موجودات همواره در تسبیح و تحمیدند.

یادداشت‌های استاد، ج ۶، ص ۱۷۶.



خدا و بنده

فلسفه نماز این است که بنده یادش نرود که بنده است؛ نه اینکه خدا یادش نرود که بنده‌ای هم دارد! ما اگر یک لحظه فراموش کنیم بندگی و مربوبیت خود را، همان لحظه، خطر وقوع در گناه داریم.

یادداشت‌های استاد، ج ۷، ص ۲۶۲.



مأمور داخلے

نماز، مأمور داخلی نہی از منکر است. نماز يك
پليس داخلی است برای انسان.

یادداشت‌های استاد، ج ۷، ص ۲۷۹.

واجب همیشه



روح نماز

یاد خدا در نماز از خود نماز بالاتر است؛ زیرا به منزله روح نماز است.

یادداشت‌های استاد، ج ۷، ص ۲۷۰.



سرّ خاک

سجده يك خضوع بالاتر و خشوع بیشتری از رکوع است؛ چون سجده این است که انسان آن عزیزترین عضو را - عزیزترین عضو انسان سراسر است، آنجا که مغز انسان قرار گرفته است و در سر هم عزیزترین نقطه پیشانی است - به علامت عبودیت روی پست‌ترین چیز، یعنی خاک می‌گذارد.

مجموعه آثار، ج ۲۳، آزادی معنوی، ص ۵۲۸.



توجه کامل

آن حالتی که در وقت نماز تیر را از بدن امیرالمؤمنین علیه السلام بیرون بکشند و متوجه نشود، ناقص‌تر از آن حالتی است که در حال نماز توجه به حال فقیر دارد. نه اینکه در اینجا از خدا غافل است و به فقیر توجه کرده، بلکه آن چنان توجه به خدایش کامل است که در آن حال، تمام عالم را می‌بیند.

مجموعه آثار، ج ۴، امامت در قرآن، ص ۹۳۰.



اطاعت تکوینی

نماز مظهر نیاز مخلوق به خالق و خضوع مخلوق در برابر خالق و اطاعت مخلوق از خالق است... . یک نیاز و خضوع و اطاعت تکوینی در همه موجودات هست که نماز آنها است.

یادداشت‌های استاد، ج ۷، ص ۲۷۳.



قبله

اساساً يك نفر مسلمان در حال نماز رو به قبله هست؛ ولی توجهش به قبله نیست. يك نفر مسلمان در نماز مستقیماً با خدای خودش سخن می‌گوید که: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ». برای مسلمان رو به کعبه ایستادن، نظیر با جامهٔ پاك بودن و با وضو بودن و مستور العورة بودن است؛ یعنی از آداب نماز است، نه هدف نماز.

مجموعه آثار، ج ۱۴، خدمات متقابل اسلام و ایران،
ص ۲۴۱.



درسه برای وحدت

اسلام به خاطر يك مصلحت تربیتی اجتماعی که با روح عبادت ارتباط ندارد، یعنی روح عبادت متوقف به آن نیست، چنین استفاده تربیتی‌ای در اینجا می‌کند [و] می‌گوید: به جای اینکه نمازی که می‌خوانی به هر طرف که می‌خواهی باشد، همهٔ مردم رو به يك نقطهٔ معین بایستند تا افراد بفهمند که باید دارای يك جهت باشند. یعنی این درسی است برای وحدت و اتحاد و يك جهت داشتن و رو به يك سو بودن.

مجموعه آثار، ج ۲۲، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۸۰۲.



حریم نماز

اسلام می‌گوید که وقتی می‌خواهی به نماز بایستی، اگر چراغ یا آتشی جلویت باشد، این امر مکروه است. چراغ یا آتش جلو من باشد یا نباشد [چه تأثیری دارد؟] می‌گوید: برای اینکه وقتی چراغ یا آتش جلویت است، عمل تو اندکی شباهت پیدا می‌کند به عمل کسی که دارد آتش را تقدیس می‌کند. برای اینکه آن حریم محفوظ بماند، همین صورت ظاهر. که تو در مخیله‌ات هم تقدیس آتش خطور نمی‌کند. مکروه است و بهتر است نباشد.

مجموعه آثار، ج ۱۵، فلسفه تاریخ، ص ۹۹۴.



حریم توحید

اگر انسانی در قبله تو نشسته است، مکروه است که آن طور نماز بخوانی. اگر عکسی مقابل روی تو هست، روی آن را بپوشان. اینها مسائلی است که خودش فی حد ذاته شرك نیست؛ ولی حریم توحید را می شکند. توحید يك مقدار حریم دارد. وقتی که حریم توحید شکسته شود، کم کم مردم ندانسته وارد خودِ شرك می شوند. به تدریج [به آن شیء] اصالت می دهند. وقتی مدتی گذشت و عکسی در قبله بود، می گویند حالا که عکسی اینجا هست، چه بهتر که عکس پیغمبر جلوی نمازمان باشد، یا عکس علی جلوی نمازمان باشد؛ نمازمان بهتر می شود!

مجموعه آثار، ج ۱۵، فلسفه تاریخ، ص ۹۹۴.



عبادت تا کجا؟

در عبادت، جزء توصیه‌های پیغمبر اکرم این است که عبادت را آن قدر انجام دهید که روحتان نشاط عبادت دارد؛ یعنی عبادت را با میل و رغبت انجام دهید. وقتی يك مقدار عبادت کردید، نماز خواندید، مستحبات را به جا آوردید، نافله انجام دادید، قرآن خواندید و بی خوابی کشیدید، دیگر حس می‌کنید الآن این عبادت سخت و سنگین است، یعنی به زور دارید بر خودتان تحمیل می‌کنید؛ فرمود: دیگر اینجا کافی است، عبادت را به خودت تحمیل نکن. همین قدر که تحمیل کردی، روح کم‌کم از عبادت گریزان می‌شود و گویی عبادت را مانند يك دوا به او داده‌ای. آن وقت يك خاطره بد از عبادت پیدا می‌کند.

مجموعه آثار، ج ۱۶، سیری در سیره نبوی، ص ۱۵۷.



نماز تمرین زندگی

اسلام به عبادت‌های فردی نیز آن‌چنان شکل داده است که متضمن انجام پاره‌ای از وظایف زندگی است. مثلاً نماز که مظهر کامل اظهار عبودیت است، چنان در اسلام شکل خاص یافته است که حتی فردی که می‌خواهد در گوشه خلوت به تنهایی نماز بخواند، خودبه‌خود به انجام پاره‌ای از وظایف اخلاقی و اجتماعی از قبیل نظافت، احترام به حقوق دیگران، وقت‌شناسی، جهت‌شناسی، ضبط احساسات، اعلام صلح و سلم با بندگان شایسته خدا و غیره مقید می‌گردد.



بی رغبتی به گناه

نماز باید با حضور قلب و توجه و خضوع و خشوع باشد. اگر این چنین خوانده شود، به قلب نرمی و روشنایی می بخشد، آثار تیرگی گناهان را محو می کند و رغبت آدمی را به گناه کاری از بین می برد و مانع فحشا و منکر می گردد.

مجموعه آثار، ج ۲۲، فلسفه اخلاق، ص ۴۴۴.



نمازگزار واقع

نمازگزار که وارد نماز می‌شود، پاک و پاکیزه و نظیف است؛ وقت‌شناس و جهت‌شناس است؛ به حقایق بالاتراز محسوسات و مادیات آگاه و آشناست؛ منظم و بانضباط است؛ می‌تواند احساسات خود را ضبط کند؛ قادر است افکار خود را در يك نقطه مقدس و عالی متمرکز کند؛ به خطاها و گناهان خود اعتراف و اظهار ندامت می‌کند؛ همه اینها چیزهایی است که در نماز و نمازگزار هست.

مجموعه آثار، ج ۲۲، فلسفه اخلاق، ص ۴۴۵.



تربیت اسلام

نماز بسیاری از اصول تربیت اسلامی را در خود گنجانده است. خوردن و آشامیدن در آن ممنوع است؛ خندیدن آن را خراب می‌کند؛ گریستن برای غیر خدا - برای هر موضوعی از موضوعات دیگر - خرابش می‌کند؛ زیرا در حال نماز انسان باید بر تمایلات خود، از قبیل خوردن و خوابیدن غلبه کند و بر احساسات خود، از قبیل خندیدن و گریستن مسلط باشد و خود را نگه دارد.

مجموعه آثار، ج ۲۲، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۸۰۴.



تمرین «ما» شدن

قرآن طرفدار «ما» بوده است و همیشه دم از «ما» می‌زند. در نماز، بعد از آنکه خدا را حمد و ستایش می‌کنیم: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»؛ خدا را مخاطب قرار می‌دهیم. من تنها دارم نماز می‌خوانم و نماز من فرادا است. می‌خواهم بگویم خدایا تو را پرستش می‌کنم و از تو کمک می‌خواهم، ولی این‌طور می‌گویم: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»؛ خدایا «ما» فقط تو را پرستش می‌کنیم و «ما» فقط از تو یاری می‌جوییم. نمی‌گوییم «من» فقط تو را پرستش می‌کنم. در آخر نماز هم می‌گوییم: «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ».

مجموعه آثار، ج ۲۳، انسان کامل، ص ۳۰۰.



حضور قلب

از بس زیاد نماز خوانده‌ایم، قهراً عادت شده است [و] اشتباه نمی‌کنیم. به‌طور خودکار از «الله اکبر» تا «السلام علیکم» می‌رویم و تمام می‌کنیم؛ بدون اینکه هیچ بفهمیم. و حال آنکه در نماز باید حضور قلب و تمرکز ذهن باشد. نگوئید نشدنی است! خیر، شدنی است؛ خیلی هم شدنی است [منتها] با عبودیت. اگر شما کوشش کنید [و] در راه عبودیت قدم بردارید، واقعاً می‌توانید نمازی بخوانید که اگر پنج دقیقه طول می‌کشد، در تمام این پنج دقیقه فقط متوجه خدا باشید [و] اصلاً ذهنتان از خدا به هیچ چیزی منحرف نشود.

مجموعه آثار، ج ۲۳، آزادی معنوی، ص ۴۷۲.



حاضر غایب کن

نماز برای حضور قلب است. حضور قلب، یعنی دل حاضر باشد و غایب نباشد؛ یعنی تو وقتی نماز می‌خوانی و رویت به طرف قبله است، حاضر غایب کن، بین دلت در نماز حاضراست یا غایب.



نماز خواندن یا نماز نخواندن

یکی از گناهان، استخفاف نماز، یعنی سبک شمردن نماز است. نماز نخواندن يك گناه بزرگ است، و نماز خواندن اما نماز را خفیف شمردن، استخفاف کردن، بی‌اهمیت تلقی کردن، گناه دیگری است.

مجموعه آثار، ج ۲۳، آزادی معنوی، ص ۵۰۹.



معنای سبک شمردن نماز

یعنی چه نماز را سبک می‌شمارند؟ یعنی وقت و فرصت دارد، می‌تواند نماز خوبی با آرامش بخواند، ولی نمی‌خواند. نماز ظهر و عصر را تا نزدیک غروب نمی‌خواند؛ نزدیک غروب که شد، یک وضوی سریعی می‌گیرد و بعد با عجله یک نمازی می‌خواند و فوراً مهرش را می‌گذارد آن طرف! نمازی که نه مقدمه دارد و نه مؤخره، نه آرامش دارد و نه حضور قلب. طوری عمل می‌کند که خب، دیگر این هم یک کاری است و باید نمازمان را هم بخوانیم! این، خفیف شمردن نماز است.

مجموعه آثار، ج ۲۳، آزادی معنوی، ص ۵۱۰.



احترام بگذارید!

نمازخوان‌هایی که خودشان نماز را استخفاف می‌کنند، یعنی کوچک می‌شمارند (نماز صبحشان دم آفتاب است، نماز ظهر و عصرشان دم غروب است، نماز مغرب و عشايشان چهار ساعت از شب گذشته است و نماز را با عجله و شتاب می‌خوانند) تجربه نشان داده که بچه‌های اینها اصلاً نماز نمی‌خوانند! شما اگر بخواهید واقعاً نمازخوان باشید و بچه‌هایتان نمازخوان باشند، نماز را محترم بشمارید. نمی‌گوییم نماز بخوانید؛ بالاتر از نماز خواندن؛ محترم بشمارید.

مجموعه آثار، ج ۲۳، آزادی معنوی، ص ۵۱۰.



جایے در همین نزدیکی

خودتان در خانه يك مصلاّی انتخاب کنید (مستحب هم هست)؛ یعنی در خانه نقطه‌ای را انتخاب کنید که جای نمازتان باشد؛ مثل يك محراب برای خودتان درست کنید. اگر می‌توانید (همان طوری که پیغمبر اکرم يك مصلی و جای نماز داشت) يك اتاق را به عنوان مصلی انتخاب کنید. اگر اتاق زیادی ندارید، در اتاق خودتان يك نقطه را برای نماز خواندن مشخص کنید.



نماز زن و فرزند

ما مسئول نماز خواندن خاندان خودمان، یعنی زن و فرزند خودمان هستیم یا نه؟ هر فردی از ما، هم مسئول نماز خودش است و هم مسئول نماز اهلیش؛ یعنی زن و بچه‌اش. [در آیه ۱۳۲ سوره طه] خطاب به پیغمبر اکرم است: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا؛ ای پیامبر! خاندان خودت را به نماز امر کن و خودت هم بر نماز صابر باش». این اختصاص به پیامبر ندارد؛ همه ما به این امر موظف هستیم.



نماز تمرینی

بچه‌ها را از کوچکی باید به نماز تمرین داد. دستور رسیده است که به بچه از هفت سالگی نماز تمرینی یاد بدهید. البته بچه هفت ساله نمی‌تواند نماز صحیح بخواند؛ ولی صورت نماز را می‌تواند بخواند. از هفت سالگی می‌تواند به نماز عادت کند؛ چه پسر و چه دختر؛ یعنی همان اولی که بچه به دبستان می‌رود، باید نماز را در دبستان به او یاد بدهند؛ در خانواده هم باید به او یاد بدهند. ولی این را توجه داشته باشید که یاد دادن و وادار کردن با زور نتیجه‌ای ندارد.



اثر جماعت

به تجربه ثابت شده است که اگر بچه به مسجد نرود، اگر در جمع نباشد و نماز خواندن جمع را نبیند، به این کار تشویق نمی‌شود؛ چون اصلاً حضور در جمع مشوق انسان است. آدم بزرگ هم وقتی خودش را در جمع اهل عبادت می‌بیند، روح عبادت بیشتری پیدا می‌کند؛ بچه که دیگر بیشتر تحت تأثیر است.

مجموعه آثار، ج ۲۳، آزادی معنوی، ص ۵۲۹.



امر به نماز

اما اسلام که می‌گوید بچه‌ات را وادار به نماز خواندن کن، نمی‌گوید آقا مآبانه فرمان بده، تشر بزن، دعوایش کن؛ نه! از هر وسیله‌ای که می‌دانید بهتر می‌شود برای تشویق او به عبادت و نماز خواندن استفاده کرد، شما باید استفاده کنید.

مجموعه آثار، ج ۲۳، آزادی معنوی، ص ۵۳۰.



برکات جماعت

اسلام دستور اکید داده است که نماز به جماعت خوانده شود و اجر و ثواب این عمل را بیش از آنچه تصور می‌رود از نماز فرادی بالاتر برده است. چرا؟ برای اینکه در اثر جماعت، مسلمانان از یکدیگر باخبر می‌شوند و دل‌هاشان به یکدیگر نزدیک می‌شود.

مجموعه آثار، ج ۲۵، حج، ص ۴۴.



به پا داشتن نماز

فرق است میان خواندن نماز و نماز را به پا داشتن؛ و اصولاً مواردی که در قرآن «نماز خواندن» تعبیر شده است، در مقام مذمت است؛ یعنی سخن از کسانی بوده که نمازهایشان ایراد داشته است. به پا داشتن نماز آن است که حق نماز ادا شود؛ یعنی نماز به صورت يك پیکر بی روح انجام نگیرد؛ بلکه نمازی باشد که واقعا بنده را متوجه خالق و آفریننده خویش سازد؛ و این است معنی «ذکر الله».

مجموعه آثار، ج ۲۶، آشنایی با قرآن ۲ / تفسیر سوره

بقره، ص ۱۲۴.



علامت نفاق

قرآن می‌گوید دلیل دیگر اینکه خدا [انفاق را] از اینها نمی‌پذیرد، این است: اینها هر وقت که می‌خواهند نماز بخوانند، نماز را از روی کسالت و بی‌میلی و بی‌نشاطی و از روی زور می‌خوانند. کأنه این يك عمل خیلی شاقی است که به اینها تحمیل شده است. این علامت نفاق است.

مجموعه آثار، ج ۲۶، آشنایی با قرآن ۳ / تفسیر سوره
توبه، ص ۲۶۱.



نشانه ایمان خراب

حال آیا ممکن است انسان به خدا با همین صفات ایمان داشته باشد؛ یعنی به الله که رب العالمین است ایمان داشته باشد، به رحمانیت الله ایمان داشته باشد، به رحیمیت الله ایمان داشته باشد، به مالک یوم الدین بودن الله ایمان داشته باشد و بخواهد دو رکعت نماز برای این الله بخواند و به درگاه این الله نیاز ببرد و از او چیز بخواهد، آن وقت با کسالت و ناراحتی و بی‌نشاطی و بی‌رغبتی؟ چنین چیزی امکان ندارد. پس حتما ایمانش خراب است، ایمانش ظاهری است، از روی عادت می‌آید [نمازی می‌خواند].

مجموعه آثار، ج ۲۶، آشنایی با قرآن ۳ / تفسیر سوره

توبه، ص ۳۶۲.



من و قلبم

آنگاه که می‌گوییم: «حَىَّ عَلَى الْفَلَاحِ» به قلب و دل خود می‌گوییم: ای دل! به سوی نماز بیا، نماز کار بیهوده نیست، نماز زحمت نیست، نماز دریچه رستگاری و سعادت است. «حَىَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ»؛ نماز بهترین اعمال است. حضور قلب، یعنی غایب نبودن آن در نماز. نماز کلاسی است که معلم آن ما هستیم و شاگردش قلب ماست؛ ولی از سر کلاس غایب می‌شود!

یادداشت‌های استاد، ج ۷، ص ۲۶۳.



قوی باش!

در حال نماز اگر شری به شما رسید، اعتنا نکنید؛ مگر شر خیلی بزرگی باشد؛ خصوصاً اگر به کس دیگر باشد یا کسی دارد تلف می‌شود که آنجا نماز را باید شکست. اما صرف اینکه مثلاً يك زنبور آمد شما را گزید، آیا باید نماز را بشکنید؟ فوراً داد و فریاد کنید و اضطراب نشان دهید که مرا زنبور گزیده؟ خب، گزیده باشد. نماز، انسان را این‌گونه می‌کند؛ لاقلاً در حال نماز انسان را به این حال نگه می‌دارد. وقتی انسان پنج نوبت در روز این تمرین را بکند، خواه ناخواه در همه روز و در همه عمرش مؤثر است.

مجموعه آثار، ج ۲۷، آشنایی با قرآن ۹ / تفسیر سوره معراج، ص ۷۱۱.



کارهای بی ارزش

نه نماز یکسره که یکدفعه انسان تحت تأثیر قرار بگیرد ارزشی دارد و نه انفاق یکدفعه که لوطی‌گری شمرده می‌شود! آنچه که مداومت داشته باشد [ارزش است]، آن وقت است که این کار از عمق روحش برمی‌خیزد و اثر تربیتی روی فرد می‌گذارد.

مجموعه آثار، ج ۲۷، آشنایی با قرآن ۹ / تفسیر سوره

معراج، ص ۷۱۴.



یاد خدا

قرآن کریم در یک جا [آیه ۴۵ سوره عنکبوت] به اثر تربیتی و جنبه تقویتی و روحی عبادت اشاره می‌کند و می‌گوید: «نماز از کار بد و زشت باز می‌دارد» و در جای دیگر [آیه ۱۴ سوره طه] می‌گوید: «نماز را برای اینکه به یاد من باشی بپادار». اشاره به اینکه انسان که نماز می‌خواند و در یاد خداست، همواره در یاد دارد که ذات دانا و بینایی مراقب اوست و فراموش نمی‌کند که خودش بنده است. ذکر خدا و یاد خدا که هدف عبادت است، دل را جلا می‌دهد و صفا می‌بخشد و آن را آماده تجلیات الهی قرار می‌دهد.

مجموعه آثار، ج ۱۶، سیری در نهج البلاغه، ص ۴۱۷.



نماز درست

قرآن کریم [در آیه ۴۵ سوره عنکبوت] می‌فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ»؛ در این آیه خاصیت نماز ذکر می‌شود؛ البته نماز حقیقی، نماز واقعی، نمازی که با شرایط و آداب صحیح صورت گرفته باشد. می‌فرماید اگر واقعاً انسان نمازخوان باشد و نماز درست بخواند، خود نماز جلوی انسان را از کار زشت و منکرات می‌گیرد. محال است که انسان نماز درست و مقبول بخواند و دروغگو باشد. محال است که انسان نماز صحیح و درست بخواند و دلش به طرف غیبت کردن برود. محال است که انسان نمازخوان درست و صحیح باشد و شرافتش به او اجازه بدهد که دنبال شراب برود، دنبال فحشاء برود، دنبال هر کار زشت دیگری برود. این، خاصیت نماز است که انسان را به سوی عالم نورانیت می‌کشاند.

مجموعه آثار، ج ۲۳، آزادی معنوی، ص ۴۶۶.



پلیس درون

نماز چگونه جلوی فحشاء و منکر را می‌گیرد؟
نماز مگر پلیس است که وقتی شما می‌خواهید
بروید دنبال یک کار زشت، بیاید با باتومش
جلو شما را بگیرد؟! نه، نماز عبودیت و بندگی
است. نتیجه این عبودیت، ربوبیت و تسلط
است و اقل درجه تسلط، تسلط بر نفس است.



هدف، بالاتراست!

تأثیر نماز در نهی از فحشا، تنها از جهت تذکر و یادآوری مجازات‌ها و پاداش‌ها نیست؛ بلکه [اینها] طفیلی هدف اصلی نماز است. [هدف اصلی نماز] یعنی تقرب و نورانیت و پرورش فطرت انسانی، که طبعاً نوعی تعالی و حالتی ملکوتی و مَلکی برای انسان پیدا می‌شود که او را از فحشاء و منکر منجر می‌سازد.

یادداشت‌های استاد، ج ۱، ص ۴۶۸.



پرورش انسان

روزه، حج، جهاد، انفاق، نماز، [سختی‌ها و] شدائدی است که با تکلیف ایجاد گردیده و صبر و استقامت در انجام آنها موجب تکمیل نفوس و پرورش استعدادهای عالی انسانی است.

مجموعه آثار، ج ۱، عدل الهی، ص ۱۷۸.



مدیریت خود

با نماز، آدمی بر نفس و قوای نفسانی خویش غالب و قاهر می‌گردد، ارادهٔ انسان در برابر خواهش‌های نفسانی و حیوانی نیرومند می‌گردد، آدمی حاکم وجود خویش می‌شود و مدیریت لایقی نسبت به دایرهٔ وجود خودش کسب می‌کند.

مجموعه آثار، ج ۳، ولاءها و ولایت‌ها، ص ۲۹۸.



نماز، علاقه‌ای فطری

برخی موضوعات فقهی صرفاً در زمینه انجام بعضی وظایف فطری مربوط به پرستش است که يك تجلی از تجلیات فطری روان آدمی است؛ یعنی يك سلسله آداب و مقررات است در زمینه این تمایل فطری، و در حقیقت مربوط است به تنظیم علاقه پرستش میان مخلوق و خالق خودش. نماز، روزه، اعتکاف از این قبیل است. مجموعه آثار، ج ۲۰، کلیات علوم اسلامی / فقه، ص ۱۱۹.



اراده قوی

همان اولی که نماز بر شخصی تکلیف می شود، هنگام خواب يك دفعه بلند می شود. طبیعتش به او می گوید بخواب! استراحت کن! دلش می خواهد بخوابد، خوابش هم می آید و از خوابیدن لذت می برد. در اینجا اگر اراده قوی و نیرومند باشد، بر طبیعت غلبه می کند؛ فوراً از جا برمی خیزد و نماز می خواند.



عادت یا عبادت

ما باید نماز بخوانیم؛ اما نباید نماز خواندن ما شکل عادت داشته باشد. از کجا بفهمیم که نماز خواندن ما عادت است یا نه؟ باید ببینیم آیا همه دستورات خدا را مثل نماز خواندن انجام می‌دهیم؟ اگر این‌طور است، معلوم می‌شود که کار ما به خاطر امر خدا است. اما اگر ربا را می‌خوریم، نماز را هم با نافله‌هایش می‌خوانیم! اگر خیانت به امانت مردم می‌کنیم، ولی زیارت عاشورایمان هم ترک نمی‌شود! می‌فهمیم که اینها عبادت نیست، از روی عادت است.

مجموعه آثار، ج ۲۱، اسلام و نیازهای زمان، ص ۲۳۱.



یکے ہمراہ تو است

آدم باایمان هیچ وقت خودش را تك و بی مددکار و بی غمخوار نمی بیند؛ همیشه در نماز می گوید: خدایا تو را می پرستیم و از تو مدد می خواهیم و به سوی تو بازگشت کرده ایم. آدم باایمان فرضاً در اثر پیشامدهای روزگار صدمات و لطماتی بیند، چندان نگرانی ندارد.

مجموعه آثار، ج ۲۲، حکمت‌ها و اندرزها، ص ۱۴۶.



آتش نشان

رسول اکرم فرمود: «قوموا اِلَى نيرانِكُمْ الَّتِي اُوقِدْتُمُوهَا عَلَي ظُهُورِكُمْ فَأَظْفِنُوهَا بِصَلَاتِكُمْ»؛
بشتابید و این آتشها که با اعمال خود روشن کرده‌اید و این جهنمی را که به وجود آورده‌اید، با نماز و با توجه به خدا و توبه و استغفار خاموش کنید.

مجموعه آثار، ج ۲۲، فلسفه اخلاق، ص ۴۰۹.

۱. تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۲۳۸.



تمرین وقت شناسی

انضباط جسمی؛ مثل همین که در حال نماز به چپ و راست یا پشت سر نگاه نکنید، از نظر روحی هم نباید اسیر احساسات بشوید. نماز تمرین وقت شناسی است.

مجموعه آثار، ج ۲۲، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۸۰۴.



صلح جویے

مسأله دیگر، مسالمت طلبی و صلح جویی با مردم است که در متن تعلیمات نماز آمده است. در سوره حمد - که خواندن آن در نماز واجب است - بعد از حمد و ثنا، خدا را مخاطب قرار می دهیم: صحبت «ما» است، نه «من»؛ و بالاتر، مسأله صلح و سلم طلبی است که در سلام نماز مطرح است.

مجموعه آثار، ج ۲۲، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۸۰۵.



قدرت نظامی

نیروی مسلمانان در جنگ‌ها، نیروی ایمانشان است؛ همان نیرویی است که از «حَقَّ عَلٰی خَيْرِ الْعَمَلِ» گرفته، نیرویی است که از نماز گرفته، نیرویی است که از راز و نیاز با خدای خودش گرفته است. به تعبیر قرآن، وقتی که او شب به درگاه الهی می‌ایستد و راز و نیاز و مناجات می‌کند، از خدای خود نیرو می‌گیرد. آن نیرو است که به او روحیه داده؛ یعنی روحیه عرب [مسلمان در صدر اسلام] است که [حکومت‌های پادشاهی] ایران و روم را شکست می‌دهد. این روحیه را از چه چیز گرفته است؟ از ایمانش گرفته. نماز چیست؟ تازه کردن ایمان.

مجموعه آثار، ج ۲۳، انسان کامل، ص ۱۵۵.



شهامت سربازان

سرباز مسلمان روحیه را از الله اکبرش گرفته است. وقتی که در نماز چندین بار می‌گوید: الله اکبر، جواب همه را می‌دهد که همه اینها هیچ است. وقتی چند صد هزار سرباز را در مقابل خود می‌بیند، می‌گوید: «لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»، «الله اکبر»؛ خدا بزرگ‌تر است، همه قدرت‌ها به دست خداست. انسان باید به خدا اتکا داشته باشد، از خدا نیرو بگیرد، از خدا قدرت بخواهد. همین نماز است که به او نیرو داده است. اگر این نماز نبود، آن سرباز مجاهد، مجاهد نبود.

مجموعه آثار، ج ۲۳، انسان کامل، ص ۱۵۶.



جهاد و نماز

شرط قبول نماز جهاد است و شرط قبول جهاد، نماز. اسلام می‌گوید نماز منهای جهاد باطل است. این نه تنها خیرالعمل نیست، بلکه شرالعمل است و نماز نیست. آن نمازی که آدم فرار کند از جهاد، و مسجد را انتخاب کند، نماز اسلام نیست. نماز اسلام، خیرالعمل است.

مجموعه آثار، ج ۲۳، انسان کامل، ص ۱۵۶.



نماز را درست کن

خصلت نمازِ درست این است که انسان را از کارهای زشت باز می‌دارد. اگر دیدی نماز می‌خوانی و در عین حال معصیت می‌کنی، بدان که نمازت نماز نیست؛ پس نمازت را درست کن! نماز، تو را به همه ارزش‌های دیگر می‌رساند؛ به شرط اینکه نمازت، واقعاً نماز باشد.

مجموعه آثار، ج ۲۳، انسان کامل، ص ۱۵۶.



پشتوانه اخلاق

نماز هم پشتوانه اخلاق است و هم پشتوانه قانون. هم اخلاق احتیاج به پشتوانه دارد و هم قانون؛ و عبادات تنها موضوع صلاحیت‌دار برای پشتوانه واقع شدن می‌باشند.

یادداشت‌های استاد، ج ۶، ص ۱۷۶.



یک جهان تربیت

اسلام که دنیا و آخرت و روح و بدن و ماده و معنی را از هم جدا نمی‌داند، یک جهان تربیت در نماز گنجانیده است. از نظر حضور قلب، نظافت و طهارت و قبله و وقت و

یادداشت‌های استاد، ج ۶، ص ۱۷۹.



مظهر تسلیم

نماز در عین اینکه میباید و مظهر یک رابطه فطری میان مخلوق و خالق است و مظهر تسلیم در مقابل امر خالق است و در حقیقت، تسلیم به فرمان فطرت است، تسلیم به الهامات قلب است، تسلیم به راستی و تقوا و امانت و عفت و عدالت و احسان است، ضمناً خود پشتمانه و اخلاق و پشتمانه عدالت اجتماعی است.

یادداشت‌های استاد، ج ۶، ص ۱۶۳.



شخصیت اخلاق

عبادات فقط مانع گناه کردن نیست؛ بلکه نیروبخش است، که فرمود استعانت جوئید [از صبر و نماز]. در واقع «الله اکبر» که به معنی «الله بزرگ‌تر است»، به انسان شخصیت اخلاقی می‌دهد.

یادداشت‌های استاد، ج ۶، ص ۱۹۶.



پشتوانه راهبردی

نماز و مسجد پشتوانه آزادی و امنیت و عدالت و مساوات و صلح و همزیستی است؛ پشتوانه شهرداری خوب، شهربانی خوب، دادگستری خوب، ارتش خوب، اجتماع خوب، بازار خوب، تجارت خوب است.

یادداشت‌های استاد، ج ۶، ص ۲۶۰.



دو فلسفه

نماز دو فلسفه دارد: یکی اینکه رقاء [و اوج‌گیری] ملکوتی است و دیگر اینکه دائماً انسان را از غفلت بیرون می‌آورد و متذکر خدا و بندگی خود می‌کند.

یادداشت‌های استاد، ج ۶، ص ۲۷۴.



سخته در زندگی

نماز ذکر حق است و رابطه است میان ذکر
حق و سعه صدر؛ و بالعکس رابطه است میان
فراموشی حق و معیشت تنگ.

یادداشت‌های استاد، ج ۷، ص ۲۸۰.



عدالت اجتماعی

نماز که مذکور [و یادآور] ایمان است، پشتوانهٔ عدالت اجتماعی و اصل مساوات و رعایت حقوق اجتماعی است.

یادداشت‌های استاد، ج ۷، ص ۲۶۶.



حل مشکلات

آیه کریمه [آیه ۴۵ سوره بقره] «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» می‌رساند که نماز
یک قانون قدرت و نیرو است؛ نیرو برای حل
مشکلات.

یادداشت‌های استاد، ج ۷، ص ۲۶۷.



سعه صدر

نماز سبب ذکر، و ذکر سبب سعه صدر می شود؛
زیرا نماز باب ذکر است و ذکر، سعه صدر به
انسان می دهد.

یادداشت های استاد، ج ۷، ص ۲۶۸.



بقای زندگی

ممکن است توهم شود که عبادات برای این وضع شده که بشر خدا را فراموش نکند و از آن جهت باید خدا را فراموش نکند که خدا واضح قوانین و مجازات کننده متخلفین است؛ و از آن جهت خداوند وضع قانون کرده که بشر قادر نیست به وضع قانون صحیح و به علاوه قانون بشری ضمانت اجرا ندارد؛ و از آن جهت بشر نیازمند به وضع قانون است که زندگی اش اجتماعی است و زندگی اجتماعی برای بشر ضروری و بلکه طبیعی است؛ انسان مدنی بالطبع (یعنی ذاتاً اجتماعی) است. علیهذا چون بشر مدنی بالطبع است، نیاز به قانون دارد و واضح قانون جز خدا نمی‌تواند باشد



و وضع قانون مستلزم يك سلسله پاداش‌ها و كيفرها است. پس مستلزم معرفتِ واضع قانون و مجازات‌كننده است، و معرفت بايد با تكرار تذكر و تلقين، همواره تجديد شود كه مكلفين مراقب او باشند. از اين راه، عبادت براي تجديد تذكر وضع شده است. عبادت و تقرب به خدا هدف است، نه وسيله! نماز و عبادت و تذكر و معرفت براي اجراء قانون و عدالت اجتماعي نيست؛ بلكه برعكس، زندگي قانوني و عادلانه شرط خداپرستي است؛ زيرا شرط بقاي زندگي بشر است و بقاي زندگي شرط خداپرستي و خداشناسي است.

يادداشت‌هاي استاد، ج ۱، ص ۴۶۸.



نماد اسلام

نماز، سمبل اصلی عبادت است. کاری که فقط و فقط برای عبادت بودن و صددرصد برای انجام مراسم عبودیت وضع شده، نماز است.

انسان شناسی قرآن، ص ۱۹۳.



دین اجتماع

برای بعضی خیلی عجیب به نظر می‌رسد که اسلام چنین دین جامعی است و یک دین اجتماعی است. از یک طرف، عدالت اجتماعی را جزء هدف‌های انبیا می‌داند و از طرف دیگر، برای دو رکعت نماز خواندن آن قدر ارزش قائل می‌شود که آن را مرز میان اسلام و کفر می‌داند.

انسان‌شناسی قرآن، ص ۱۹۳.



پشتوانه قوانین

نکته این است که در نماز این فایده و اثر هست که به پادارنده سایر مقررات است. وقتی انسان نماز بخواند و این عبادتی را که فلسفه آن به یاد خدا بودن است به جای آورد، در این صورت همیشه در یاد دارد که بنده است؛ همیشه در یاد دارد که خدایی دارد و آن خدا از او غافل نیست و طبعاً همیشه در یاد دارد که این خدا از او وظایفی و تکالیفی خواسته است. این یک ضامنی است برای اجرای دستورات اخلاقی و دستوره‌های اجتماعی؛ یعنی پشتوانه مقررات است.

انسان شناسی قرآن، ص ۱۹۴.



سرِّ باطن

عباداتی که زاهد می‌کند، معامله‌گری است. اینجا خودش را خم و راست می‌کند تا آنجا مزد بیشتری به او بدهند. ولی عبادت از نظر یک عارف و یک انسان خداشناس، تمرین قوای وهمیه و خیالیه است؛ برای چه؟ برای اینکه با تکرار و با عادت دادن، توجه این قوا را از غیر حق منحرف کند و آنها را تابع «سرِّ باطن» کند.

انسان‌شناسی قرآن، ص ۱۹۸.



هدف اسلام

ذکر خدا و یاد خدا اساسی‌ترین برنامه اسلام است و شاید هیچ هدف دیگری در اسلام به اصالت این هدف نباشد که انسان متذکر خدا باشد و به یاد خدا باشد؛ و نماز، یاد خدا است.

انسان‌شناسی قرآن، ص ۲۱۳.

کتابنامه

مجموعه آثار استاد مطهری رحمته‌الله. تهران. انتشارات صدرا.
یادداشت‌های استاد مطهری رحمته‌الله. تهران. انتشارات صدرا.
کتاب انسان‌شناسی قرآن. تهران. ۱۳۹۲. انتشارات صدرا.